



آن روی سکه

به مناسبت مراسم اعطای دکتری افتخاری به دکتر حسن حبیبی

دانشگاه تهران، بنا به پیشنهاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی و مصوبه مورخ ۷۶/۳/۲۷ شورای بررسی اعطای دکتری افتخاری وزارت فرهنگ و آموزش عالی، دکتری افتخاری در رشته جامعه‌شناسی به دکتر حسن حبیبی اعطا کرد. مراسم اعطای دکتری افتخاری به دکتر حسن حبیبی، با حضور جمعی از معارف و استادان دانشگاه‌ها، روز دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۷۶، در تالار علامه امینی دانشگاه تهران، برگزار شد. در این مراسم، دکتر هاشمی گلپایگانی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی؛ دکتر محمدرضا عارف، رئیس دانشگاه تهران؛ و دکتر آزاد ارمکی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه، طی سخنرانی‌هایی، فعالیت‌های تحقیقی دکتر حبیبی و خدمات او را در حوزه‌های متعدد علمی و فرهنگی، به ویژه جامعه‌شناسی، برشمردند و شأن و منزلت دانشگاهی او را شناساندند.

رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران دکتر حبیبی را در زمره نخستین کسانی معرفی کرد که به حلقه دانش‌پژوهان جامعه‌شناسی در ایران پیوست و دستاوردهای او در جامعه‌شناسی را بار و یاور اندیشه وی در رویارویی با مسائل سیاسی و اجتماعی طی سال‌هایی دانست که در ساختن تاریخ معاصر ایران نقشی مهم بر عهده داشته است. وی، با یادآوری این امر که دکتر حبیبی به مطالعه دانش جامعه‌شناسی در پیوند با علم حقوق پرداخته، او را از پیشگامان تحقیقات و مطالعات میان رشته‌ای و شایسته‌ترین استاد جامعه‌شناسی حقوق‌شمارد و افزود که وی از حقوق به عرفان و فلسفه و از آن به

جامعه‌شناسی راه گشوده است. سخنران، با ذکر پژوهش‌های دکتر حبیبی در آراء جامعه‌شناسی ابن خلدون و نظرپردازی‌های مولوی، او را در زمره نخستین چهره‌هایی جای داد که، با توجه به شرایط فرهنگی جامعه اسلامی، به علوم اجتماعی روی نمودند. وی برای جامع‌نگری دکتر حبیبی در بررسی مسائل علمی، سیاسی، اجتماعی و دینی اهمیت دیگری قایل شد و بر این نظر او تأکید کرد که برای پرداختن به عناصر تفکر دینی، پیش از هر چیز، باید دید جامع و فراگیری نسبت به اسلام و نظام اسلامی پیدا کرد. وی نشان داد که دکتر حبیبی تلاش‌های تطبیقی و سلیقه‌ای را وارونه کردن رهیافت و نشانه‌بی‌توجهی به کل نظام می‌داند و معتقد است که اسلام، مانند هر نظام دیگری، در اساس، افزونی و کاستی‌پذیر نیست و روش التقاطی در آن مردود است. وی تصریح کرد که دکتر حبیبی دلیل اصلی موفقیت نهضت امام را در جامع‌نگری سراغ می‌گیرد. دکتر آزاد ارمکی، در ستایش از روحیه علمی دکتر حبیبی، دو جلوه بارز آن را شاهد آورد: یکی آن که وی سعی داشته است تا آنچه مطرح می‌کند تمام شده تلقی نگردد؛ دیگر آن که در کارهای تألیفی می‌کوشد افق‌های تازه‌ای در دانش اجتماعی ایران اسلامی بگشاید.

دکتر محمدرضا عارف، رئیس دانشگاه تهران، دکتر حبیبی را در زمره مؤثرترین شخصیت‌ها از مسئولان نظام شمرد که پیشرفت امور و بهبود زندگی مردم را موقوف توسعه علم و فعالیت‌های پژوهشی دانسته‌اند و همت خود را صرف رفع موانع و ایجاد شرایط مناسب برای ارتقای سطح آموزش کرده‌اند و در هر فرصت به دانشگاه و دانشگاهیان عنایت خاص مبذول داشته‌اند.

سخنرانی دکتر هاشمی گلپایگانی را، در حقیقت، شرح و بیان وجوه علمی و فرهنگی مصوبه شورای بررسی اعطای دکتری افتخاری باید تلقی کرد. وی دکتر حبیبی را برای آموزش عالی کشور نمونه و الگویی برجسته دانست و اعطای دکتری افتخاری به او را تجلیل از شخصیت علمی-فرهنگی چهره‌ای شمرد که، طی بیش از سه دهه، تأثیر مسلم بر ارتقای دانش و فرهنگ ایران زمین داشته و انقلاب اسلامی را، از دیرباز و در همه فراز و نشیب‌ها، مددکار بوده است. وزیر فرهنگ و آموزش عالی، ضمناً، خدمات دکتر حبیبی به سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی را یادآور شد و، در این زمینه، به ویژه، احیای نگارستان، بازگرداندن شاهنامه طهماسبی به ایران، راه‌اندازی فرهنگستان‌ها و هدایت و اداره شورای پژوهش‌های علمی کشور و اقدام اخیر و بسیار ارزنده او، تأسیس بنیاد

ایران‌شناسی، را شاهد آورد. وی، از آثار ترجمه‌ای و تألیفی دکتر حبیبی در مباحث جامعه‌شناسی و سیاست و حقوق و فرهنگ - متجاوز از ۲۰ کتاب و حدود ۸۵ مقاله - یاد کرد. سخنران، سپس، به خصایل و صفات اخلاقی دکتر حبیبی پرداخت و، از جمله، گفت که وی، در بحبوحه مشغله سیاسی، لحظه‌ای از تحقیق و علم اندوزی باز نمانده است. دکتر گلیپایگانی متانت و طمأنینه و رفتار خردمندانه و سعه صدر و نظم و جدیت را از خصایص این چهره علمی و سیاسی شمرد که باعث شد اعضای هیئت دولت ولایت اداریش را پذیرا گردند و رابطه صمیمانه قلبی میان آنان و او برقرار گردد و به صورت الگو و اسوه‌ای اخلاقی و انضباطی برایشان در آید. در پایان، سخنران به جلوه‌های وجودی دکتر حبیبی در عرصه کار و پیکار سیاسی توجه نمود و او را گریزان از عافیت طلبی و انزوا و شیفته اسلام و ایران و سرشار از علاقه به فرهنگ ایران و زبان فارسی معرفی کرد و رهرو پخته و جهان دیده‌ای خواند که بار غم یک ملت را در دل پاک خود جای داده و برای سعادت جامعه ایران اسلامی سختی‌ها را به رغبت تاب آورده است.

سپس، دکتر حبیبی، ضمن سپاسگزاری از تصمیم شورا، لازم شمرد که شرح حال مختصر و سوابق علمی و فعالیت‌های تحقیقاتی خود را، به عنوان خصوصیات نامزد همکاری دانشگاهی، عرضه بدارد. وی، ضمن بیان این احوال و سوابق، از آثار و کارهایی یاد کرد که برای پیرامونیان و نزدیکان او و حتی محافل دانشگاهی چندان شناخته نبود. در حقیقت، این گزارش نیمه و شاید پاره غالب پنهان وجود علمی دکتر حبیبی را اندکی آفتابی کرد و نشان داد که او، هم از دوران تحصیلی در دبستان و دبیرستان، به درس‌های مدرسه اکتفا نمی‌کرده و، در کنار درس مدرسه، درس حوزه‌ای نزد پدر و یکی دو تن از مدرّسان می‌خوانده است. شرکت او در فعالیت‌های اجتماعی از سیزده سالگی آغاز شده است. در همان نخستین سال درس دانشگاهی - در دانشکده حقوق و ادبیات - کار ترجمه (از عربی به فارسی) را آزموده و، ضمن آن، با آثاری چون آداب المتعلّین، مئیه المرید فی آداب المفید و المستفید و حتی المُنْفَذُ مِنَ الضَّلَالِ غزالی - که برخی از بحث‌های آن را با نکته‌هایی از گفتار در روش درست به کار بردن عقل دکارت قابل قیاس یافته - نه تنها آشنا شده بلکه در مباحث آنها، از جهات جامعه‌شناسی تربیتی و روان‌شناسی و فلسفی تأمل و تدبّر کرده است.

آداب المتعلّین و مئیه المرید، از لحاظ مسائل مربوط به جامعه‌شناسی تربیتی حایز

اهمیت بسیارند. مباحث جدی آموزش و پرورش را هم مستقلاً در این گونه آثار می توان سراغ گرفت و هم در مطاوی اندرزننامه‌ها و پندنامه‌ها و آفریده‌های ادبی چون قابوسنامه، چهارمقاله، منظومه‌های نظامی به‌ویژه مخزن الاسرار و اسکندرنامه و هفت پیکر، گلستان و بوستان سعدی و هفت اورنگ جامی. به نظر دکتر حبیبی، بررسی این قبیل آثار ناظر به دو مقصود عمده می تواند بود: یکی استخراج مشترکات و وجوه افتراق آنها و تشخیص اصول ثابت و متغیر تعلیم و تربیت، با توجه به شرایط زمانی و مکانی، بر اساس تحلیل آنها؛ دیگر قرار دادن این اصول در رابطه‌ی تابعی با خصوصیات جامعه‌ی دوره‌ی تدوین آنها. در این تحلیل جامعه‌شناختی چه بسا بتوان دریافت که تا چه اندازه شاهد «نمونه‌ای آرمانی» هستیم که نمی توان از آن فاصله گرفت. این تحلیل همچنین به ما خواهد آموخت که اگر، در تعلیم و تربیت نسلی جوان، هنوز، چنان که باید و شاید، کامیاب نیستیم، از آن روست که شیوه‌ی تعلیم و تربیت متناسب با جامعه‌ی خود را اختیار نکرده‌ایم و مجذوب شیوه‌ی غربی یا الهام‌گرفته از غرب گشته‌ایم.

مطالعه در اصول و شیوه‌ی تعلیم و تربیت دکتر حبیبی را به تتبع در ادبیات کودکان سوق داد و او را متوجه آن ساخت که این رشته از ادبیات را باید جداگانه بررسی کرد. وی می نویسد: «همیشه در اندیشه‌ی تحقیقی پر دامنه درباره‌ی ادبیات کودکان بوده‌ام، آرزو دارم که، در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بحث مربوط به زبان کودکان را به گونه‌ای سازگار با وظایف فرهنگستان - که بیشتر سیاست‌گذاری است تا تحقیق و تتبع - مطرح کنم». دکتر حبیبی نتایج تحقیق خود را در زمینه‌ی ادبیات و سینمای کودکان و نوجوانان در مقاله‌هایی منعکس ساخته و، در این مبحث، نوع برخورد خاص کودک را با روابط اساسی سه‌گانه انسان با طبیعت، انسان با انسان، و انسان با ماوراء طبیعت بیان کرده است.

دکتر حبیبی، با مطالعه‌ی آثاری چون السعادة والاسعاد و اخلاق ناصری و مصنفات بابا افضل و مقایسه‌ی مطالب آنها با آراء فیلسوفان و متفکران یونان، چون ارسطو و افلاطون، به این نتیجه رسیده است که، در کار انتقال فکر، محیط اجتماعی و فرهنگی و علمی و نوع دریافت‌های جامعه‌ی پذیرنده چه بسا مهم و اساسی است به گونه‌ای که، در حاصل اقتباس‌های فرهنگی، پیام‌ها و نظرهای تازه‌ای جلوه‌گر و راه‌هایی تازه گشوده می شود. وی، در تأیید این قول، جریان انتقال علوم از یونان و هند و ایران به فرهنگ اسلامی را

شاهد می‌آورد. فرهنگی که در عناصر بیگانه حل نشد و ساختاری نو، مناسب با آرمان‌ها و اعتقادات خود را پی افکند. دکتر حبیبی، به مطالعات خود در آراء جامعه‌شناسی ابن خلدون و اندیشه ورزی‌های مولوی و متون ادبی فارسی که متضمن فواید نظرگیر در سیاست مدن و کشورداری‌اند، اشاره و از دو نوشته خود - «ابن خلدون پیشگام جامعه‌شناسی» و «مولوی انسان متعهد» - یاد کرد و این نکته را متذکر شد که دریافت‌های نو قلمداد شده، در حقیقت، کهن و کم و بیش از آن مشرق‌زمین‌اند که از خاطره‌ها رفته و فراموش شده‌اند. وی حتی این امر را منتفی نمی‌داند که نظریه‌هایی ساخته و پرداخته، دستاورد متفکران سلف، بتوان سراغ گرفت که از نظر ما به دور مانده باشد و، بر این اساس، معتقد است که ادبیات منظوم و منثور ما می‌تواند عرصه مطالعات جامعه‌شناسی فرهنگی و سیاسی و تربیتی و تاریخی و جز آن، در چارچوب برنامه ملی تحقیقات باشد.

سپس، دکتر حبیبی از گرایش خود به مباحث مربوط به زبان‌شناسی و معنی‌شناسی و تحلیل متون از دیدگاه دانش‌نویس‌ان ظهور اطلاعات و هم‌چنین فلسفه حقوق و منطق حقوقی یاد کرد. وی، بر اثر آشنایی با این مباحث، به این معنی توجه یافت که مواد اصول و قواعد فقه را، به خصوص در باب الفاظ، می‌توان از این دیدگاه‌ها بررسی کرد و هم‌چنین برخی از مطالب علم درایه را با منطق حقوقی ربط داد. مقاله «زبان حقوقی» (نامه فرهنگستان، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴) و آغاز مطالعه در زبان حقوقی-سیاسی (پارلمانی) از دوران مشروطه به این سو و نیز زبان سیاسی در دو قرن اخیر و منطق عامه مردم در دوره انقلاب حاصل همین توجه بارور است. انگیزه دیگری که این محقق سختکوش را به گذراندن دوره علوم اطلاع‌رسانی، در پایان اقامتش در فرنگ، سوق داد توجه به امکان استفاده از دستاوردهای این علوم در تدوین مجموعه‌های فهرستگانی احادیث و تحلیل محتوای آنها بود که به تهیه رساله‌ای در این موضوع و دفاع از آن در مدرسه مطالعات عالی علوم انسانی (École des Hautes études) منجر شد.

موضوع رساله دکتر حبیبی در دوره دکتری جامعه‌شناسی «جامعه ایران بر اساس و از نظر رویه قضایی» بود که تهیه آن مستلزم تحقیقی پردامنه در آراء صادره از دیوان کشور، مطالعه دعاوی مدنی و جزائی و تجاری و ثبتی و جز آن بوده است. دکتر حبیبی می‌گوید: دل مشغولی دوره مطالعه و تحقیق در زمینه جامعه‌شناسی

حقوقی مرا به مطالعه کتاب‌های متعددی در حول و حوش موضوع کشاند. از میان کتاب‌های جامعه‌شناسی حقوقی، مبانی جامعه‌شناسی حقوقی گورویچ^۱ را، که به مباحث نظری می‌پردازد، برای ترجمه برگزیدم. اهمیت این اثر، با آن که ۵۷ سال از تألیف و ۲۴ سال از ترجمه آن می‌گذرد، در این است که نظیر آن کمتر کتابی یافت می‌شود که هم به پیشگامان و بنیانگذاران جامعه‌شناسی بپردازد و هم نظریه جامعه‌شناسی حقوقی نظام یافته‌ای را بیان کند. ترجمه کتاب مقدمه‌ای مفصل از مترجم را در بر دارد که مبانی نظری جامعه‌شناسی حقوقی گورویچ در آن شرح داده شده است.

به نظر دکتر حبیبی، آزمایشگاه واقعی جامعه خود آن جامعه است و جامعه‌شناسی ایران یکی از نادرترین آزمایشگاه‌ها را به هنگام انقلاب اسلامی در اختیار داشته است. زیرا، با این انقلاب، بسیاری از روابط اجتماعی و سیاسی در هم کوفته شد و نوع دیگری از روابط پدیدار گشت و این جریان فرصتی مغتنم برای مطالعه به دست داد که مشغله‌های دیگر روز نگذاشت از آن بهره جویی شود. با پیروزی انقلاب، حقوق سازمان‌نایافته و خودجوشی بردمید که در حیات حقوقی نقش‌نظری ایفا کرد و امور را سامان داد و رفته‌رفته به حقوق سازمان یافته تبدیل شد و ثبات پذیرفت.

دکتر حبیبی، در رشته حقوق عمومی، امامت در حقوق شیعه را موضوع تحقیق و رساله خود اختیار کرد. وی، بر همین اساس و با مددجویی از توضیحات امام، پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تهیه کرد که خود، به قول او، ماجرای دیگر دارد.

ترجمه دیالکتیک و جامعه‌شناسی^۲ اثر دیگر گورویچ، که در سال ۱۳۵۱ منتشر شد، از کارهایی است که دکتر حبیبی به انگیزه نشان دادن نمونه‌ای برای شیوه درست پژوهش و لزوم توجه به معانی نظری در آن انجام داد. در آن اوان، گروه‌هایی که با سلاح «ماتریالیسم دیالکتیک» به میدان مبارزه آمده بودند، در تعیین میدان مبارزه و اصلی-فرعی کردن مسائل به این موضع کشانیده شده بودند که نبرد مسلکی با مبارزان مسلمان را بر مبارزه با نظام طاغوتی مقدم بدانند. ترجمه مذکور، در این جریان، مبارزان مخالف این نظر را برای مقابله مجهزتر ساخت.

به خلاف ساده‌گرایان در مطالعه اجتماعی، که تحلیل خود را بر قالب‌ها و الگوهای

1) Georges Gurwitsch, *Eléments de sociologie juridique*, Ed. Aubier, Paris 1940.

2) *Dialectique et sociologie*, Ed. Flammarion, Paris 1962.

پیش ساخته بنا می‌نهند، دکتر حبیبی معتقد است که هر جامعه‌ای، به مقتضای تاریخ تمدن و فرهنگ خود، ساخت‌های معینی را پذیراست و نمی‌توان ساخت‌های جامعه‌ای با تاریخ تمدن و فرهنگ دیگری را بر آن تحمیل کرد. با این گرایش بود که وی به ترجمه جبرهای اجتماعی و اختیار یا آزادی انسانی^۳، اثر گورویچ، پرداخت.

ترجمه کتاب‌هایی به شرح زیر: افضل الجهاد عمار اوزگان^۴، دو فصل از امپراتوری متلاشی^۵ («اسلام و مسلمانان در روسیه»)، چند فصل از کشف اسلام^۶ («اسلام و بحران عصر ما») و عهدین و قرآن و علم^۷ نیز به قصد تحلیل اوضاع و احوالی صورت گرفت که در آن مارکسیست‌ها و، در مواردی، آباء کلیسا اسلام را دشمن واقعی خود می‌شمردند.

ترجمه درس یکی از فیلسوفان فرانسوی، تحت عنوان خدا^۸ (آبان ۱۳۶۰) و ترجمه اخلاق نظری و علم آداب^۹ و هم‌چنین توجه به دو وجه جامعه‌شناسی اخلاقی و جامعه‌شناسی حقوقی، که در اثر مهم و رساله دکتری دورکیم با عنوان تقسیم کار اجتماعی^{۱۰} مطرح شده است، با رهیافت مترجم در اخلاقیات و هم‌چنین این مسئله ربط دارد که، با وجود جامعه‌شناسی اخلاقی و علم آداب، پرداختن به اخلاقیات لازم است یا نه.

دکتر حبیبی، در مطالعه مباحث اخلاقی و مسائل مربوط به جبر و آزادی و تکامل و روان‌شناسی، با آثار برگسن، از جمله رساله دکتری او، که یکی از مشهورترین نوشته‌های فلسفی وی به نام داده‌های بلا فصل وجدان^{۱۱} است و شرح گفتگوی خصوصی او، در سال ۱۹۳۸، با یکی از شاگردان و دوستانش، که فیلسوفی بود متأله، آشنایی یافت. برگسن، در این رازگویی طولانی، گام‌هایی را که، یکی پس از دیگری، در راه باز یافت خداوند، در ذهن و فکر خود، برداشته است باز می‌گوید. در این زمینه، دکتر حبیبی «دو سرچشمه

3) *Déterminismes sociaux et liberté humaine*, Ed. PUF, Paris 1965 (2^e ed).

4) Amar **OUEZANE**, *Le Meilleur combat*, Ed. Julliard, Paris 1962.

5) Hélène **CARRERE d'ENCAUSSE**, *L'empire éclaté*, Ed. Flammarion, Paris 1978.

6) Roger du **PASQUIER**, *Découverte de l'islam*, Ed. Institut islamique de Genève.

7) Maurice **BUCAILLE**, *La Bible, le Coran et la saieuce*, Ed. Seghers, Paris 1976.

8) Jules **LAUREAU**, *Célébrs leçons et fragments*, Ed. PUF, Cours sur Dieu, in Paris 1950.

9) Georges **GURVITCH**, *Morale théorique et science des moeurs*, Ed. PUF, Paris 1961.

10) Émile **DURKHEIM**, *De la division du travail social*, Ed. PUF, Paris 1967 (8e ed)

11) Henri **BERGSON**, *Essai sur les données immédiates de la Conscience*, Ed. PUF, Paris 1965 (108^e éd).

اخلاق و دین^{۱۲} را، که آخرین نوشته برگسن است، ترجمه کرد.

سهم دکتر حبیبی، در دفاع از حقوق فلسطینیان و در اجرای حکم امام در این زمینه، از جمله با بنیان‌گذاری مجموعه کرامه (به یاد نبرد کرامه)، در دوره حساس سال‌های ۱۳۴۹ به بعد، ادا شد که، در آن، ترجمه پنج اثر در این زمینه انتشار یافت و سطح آگاهی فارسی‌زبانان را نسبت به مسائل مربوط به فلسطین بالا برد.

از جمله فعالیت‌های پژوهشی دکتر حبیبی همکاری او با مرکز مطالعات استراتژیک سوربون را باید یاد کرد که بازگشت به ایران فرصت اجرای برنامه آن را، که طرحش ریخته شده بود، نداد.

شماری از مقاله‌های دکتر حبیبی در مجموعه‌هایی با عنوان‌های جامعه، فرهنگ، سیاست (۱۳۶۳) و آیین حقوق (۱۳۶۷) و در جستجوی ریشه‌ها (۱۳۷۳) فراهم آمده است. منطق حقوقی و انفورماتیک (۱۳۷۳) نیز مجموعه‌ای است از ترجمه‌ها و نوشته‌های او در سال‌های اخیر که در حوزه منطق حقوقی، از نظر سبک و سیاق، در ایران تازگی دارد. دکتر حبیبی به مناسبات دو رشته نو و کهن داده‌ورزی و حقوق توجه دارد و منطق را رابط آنها می‌داند. در حقیقت، از یک سو، داده‌ورزی دانش آمایش و پردازش منطقی و خودکار اطلاعات است و، از سوی دیگر، حقوق با منطق رابطه دیرینه دارد؛ زیرا همواره از حقوقدان و قاضی، برای اثبات دعوی یا صدور حکم، استدلالی برپایه مستندات خواسته شده است. دکتر حبیبی، با توجه به اعتراض‌هایی که استفاده از منطق صوری در حقوق برانگیخته، این حقیقت را می‌پذیرد که «مقتضیات منطقی عقلانیت در همه قلمروهای تفکر یکسان نیستند»؛ ولی، در عین حال، این فرض را مردود می‌شمارد که عقل بشری از روی طبع بتواند در راه‌هایی آن چنان گونه‌گون گام نهد که، در مثل، هرچه را حقوقدان منطقی بداند ریاضی‌دان منطقی نخواند.

تکثر منطق‌ها - فلسفی، ریاضی، حقوقی... - لزوماً درهم‌شکننده وحدت منطق یعنی وحدتی نیست که کلیت طبیعت و عقل بشری مقتضی آن است. نهایت آن که باید اوصاف و خصوصیات هر یک از منطق‌ها را معلوم ساخت. در انفورماتیک حقوقی، به ویژه در آن بخش که انفورماتیک در خدمت حقوق قرار می‌گیرد، مباحث مهم فلسفی و زبان‌شناسی

12) Idem, Les deux sources de la morale et de la religion, Ed. PUF, Paris 1967 (164e ed.)

و معناشناسی و منطق مطرح می‌شوند.

علاوه بر این، دکتر حبیبی، در قلمروهای گوناگون تعلیم و تربیت، ایران‌شناسی، هنری و امور اداری مقاله‌هایی دارد که شماری از آنها در دانشگاه‌ها و آکادمی‌های کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و مجالس بحث و بررسی عرضه شده و هنوز به صورت مجموعه در نیامده است.

دکتر حبیبی، برای نتیجه‌گیری‌های اساسی جامعه‌شناختی، روش آماری و پژوهش‌های مقطعی و با دامنه محدود زمانی و مکانی را کافی نمی‌داند و معتقد است که تا ندانیم آرمانی که جامعه در ذهن و فکر و عمل خود دارد چیست، نمی‌توانیم آنچه را در بررسی‌های دقیق خود بدان می‌رسیم به درستی تبیین کنیم. در مطالعات جامعه‌شناختی، باید واقعیت اجتماعی، همه جانبه و تأم و تمام، با دیدی جامع مد نظر قرار گیرد. من باب مثال، وقتی ما یکی از پاگردهای واقعیت اجتماعی، مثلاً حقوق، را از نظرگاه جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار می‌دهیم، درست است که ابتدا به پاگرد حقوق توجه می‌کنیم، اما روش جامعه‌شناختی مقتضی آن است که این امر واقع را با دیگر پاگردها ربط دهیم ... و حرکت امر حقوقی را در کلیت واقعیت اجتماعی ملاحظه نماییم. امر دیگری که دکتر حبیبی توجه به آن را در مطالعات جامعه‌شناسی حایز اهمیت می‌داند تعیین مشخصات جامعه مورد مطالعه و صورت نوعی (تیپ) آن است برای بازشناسی وجوه افتراق جامعه‌ها و نهادهای آنها. تا نتوانیم صورت نوعی جامعه خود را باز شناسیم، نخواهیم توانست از مسئله تمایز فرهنگ‌ها یا شیوه‌های زندگی و نظایر آن به شیوه درست گفتگو کنیم.

دکتر حبیبی، برای بررسی برخی از مسائل مهم جامعه‌شناسی، مانند زمان اجتماعی، دیوان سالاری و تحول آن در بحبوحه انقلاب، فن سالاری و رابطه آن با دین و فرهنگ ایران اسلامی (ارزش‌ها، حقوق، اخلاقیات و نظایر آنها) اهمیت قایل است.

بدین سان، دکتر حبیبی، ضمن گفتار خود، به جوانب و جهات گوناگون مسائل اجتماعی توجه کرده و می‌توان گفت فهرستی از طرح‌های تحقیقاتی در جامعه‌شناسی ایران را به دست داده است که جا دارد محافل دانشگاهی و پژوهش‌گران رشته‌های ذی‌ربط به آن توجه نمایند. دکتر حبیبی موضوع‌های پیش‌نهادی خود برای تحقیق را، در فهرستی جامع، با عناوین مشخص، ذیل بخش‌های جامعه‌شناسی عمومی، جامعه‌شناسی حقوقی، جامعه‌شناسی معرفت، جامعه‌شناسی تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی

سیاسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی فرهنگی، زبان‌شناسی، شاهنامه، جنگ، و حقوق فراهم آورده است. هر یک از عنوان‌ها، در هر بخش، می‌تواند موضوع رساله‌ای در سطح بالای دانشگاهی باشد.

امتیاز بارز مراسم اعطای دکتری افتخاری به دکتر حبیبی این بود که صرفاً جنبه تشریفاتی نداشت: هم مجلس درین دانشگاهی بود و هم خطوط مبهم و در سایه مانده یکی از چهره‌های علمی و فرهنگی برجسته جامعه ما را، با پرتوی تازه، متمایز و روشن ساخت - خطوطی که در پس جلوه‌های شخصیت سیاسی و دولتی او پنهان مانده بود. در این مراسم، کسانی که تنها با یک روی سکه وجود دکتر حبیبی آشنا بودند، به یمَن ابتکار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی، آن روی سکه را نیز دیدند و ارادتشان به این چهره ممتاز ایران اسلامی کیفیتی دیگر یافت.

سردبیر



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی